

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

پردل روستائی
۰۳ سپتمبر ۲۰۲۰

تبانی امپریالیسم غدار با فنودالیسم علیه مردم افغانستان

سرمایه امپریالیستی همانند خود امپریالیسم و سایر پدیده های اجتماعی دیگر دچار تحولات و تغییرات تدریجی بوده است. شناخت پدیده تاریخی امپریالیسم با اسلوب دیالکتیک و از منظر ماتریالیسم تاریخی میسر است. اقتصاد سیاسی پایه های اساسی، انباشت و منبع و خصلت سرمایه انحصاری امپریالیسم را به ارزیابی گرفته و چگونگی پیدایش و تمرکز سرمایه مالی را تشریح می کند.

مفاهیم و ترکیباتی مثل سرمایه مالی، سرمایه مازاد، سرمایه بزرگ جهانی، تقسیم بین المللی کار، تقسیم جهان بین قدرت های بزرگ جهانی، نقش دولت در حراست از منافع شرکت های انحصاری، رقابت های سرمایه داری، جنگ های تجاری، تشدید سیاست های استعماری و نو استعماری، ظهور کشور های وابسته، بحران های اقتصادی و توسعه طلبی امپریالیستی، صدور سرمایه انحصاری، جست و جوی بازار ها و منابع جدید، رقابت در عرصه رسانه ئی، نابرابری جهانی، دستمزد ناچیز و نابرابر، نیروی کار ارزان، افزار جنگ و توسل به جنگ برای دسترسی به منابع مواد خام و بازار ها و ... همگی بازگوکننده سیاست ها، تفکر و عملکرد تاریخی امپریالیسم اند. سرمایه داری انحصاری که منبع آن استثمار نیروی کار و غارت منابع خلق های کشور های تحت سلطه است، از خود بیگانگی نیروی کار را در بطن خود دارد. صاحبان سرمایه مالی برای تأمین حداکثر سود و ادامه بی خویشتنی نیروی کار از ابزار های مختلف از جمله غول های رسانه ئی جمعی برای شکل دادن و کنترل ذهنیت عامه تا ترویج مواد مخدر و اعتیاد، زهر پراگنی، قوم پرستی، فقر عمدی، بیکاری، گرسنگی، فلاکت و دربدری بشری کار گرفته است. امپریالیسم سیستم کهنه و مندرسش را با تئوری نئولیبرالیسم رنگ و لعاب داده و بر مقدرات مردم مسلط نموده اند، چنانچه طبق گزارش سازمان جهانی کار مبنی بر این که در سال ۲۰۱۸ از ۵ اعشاریه ۷ میلیارد نیروی کار فقط و فقط ۴ اعشاریه ۳ میلیارد نیروی واجد کار شامل کار اند و به تعداد ۱ اعشاریه ۴ میلیارد نیروی واجد کار از کار بیکار گردیدند که خود یک سیستم بی کفایت، ناکاره و بحران زده را در برابر دیدگان بشریت قرار می دهد.

سیستم امپریالیسم جهانی که ناشی از تجمع ثروت و انباشت سرمایه مالی، صدور سرمایه، بازار آزاد و تجارت آزاد است، روزانه ده ها شعار توخالی را برای فریب مردم و طبقه کارگر توسط طوطی های سخنگوی و دست آموز رسانه ئی شان از صبح تا شام از عقب بلند گوها زمزمه می کند. چنانچه در ۷ اکتوبر ۲۰۰۱ قوای اشغالگر امریکائی با شرکای ناتوئی شان در همکاری با ارتجاع کمپرادوری و فنودالی کشور ما با ساز و برگ نظامی و با سر دادن شعار های

فریبنده مبارزه با تروریسم جهانی و مواد مخدر و...، به افغانستان لشکر کشیدند. سپس با سرهم بندی حکومتی را که در ترکیب خود نامتجانس و در اعمال ضد ملی خویش متجانس بودند، بر مقدرات مردم ما مسلط ساختند. از آن زمان تا کنون امپریالیسم جنایت پیشه جهانی به خصوص ایالات متحده امریکا خلاف انتظار طوطی های سخنگوی وطنی شان، با تروریستان مذهبی و سلفی های وهابی پنهانی رابطه ایجاد کردند، آنان را تسلیح و تجهیز نمودند؛ اما در ظاهر امر علیه آنها شعار های دروغین مبارزه سر داده می شد. تمام جنایات نابشخودنی گروه های آدم کش اخوانی را که از آدم ربائی تا انتحار و انفجار و ترور افراد عادی تا سنگسار دختران جوان و هزاران وحشت و دهشتی که توسط اخوانی های جهادی، طالبی و بمباردمان، قتل و قتال هموطنان بیگناه ما در روستا ها و شهر ها در طی ۱۹ سال تمام رخ داده است، مسؤلیت آن را امپریالیسم جنایات پیشه و باند های تبهکار کمپردوری و ارتجاع اخوانی دولتی و غیردولتی (جهادی، طالبی و داعشی) و باند های مافیائی وابسته به امپریالیسم جهانی جنایت پیشه به گردن دارند.

فقر و بیکاری، در بدهی و فلاکت، عقب ماندگی مفرط اجتماعی و فرهنگی در افغانستان التیام نیافته بود که ابرجنایتکار امپریالیستی در همسوئی با ارتجاع اخوانی رجعتگرا و طبقه دلال کمپرادوری وابسته به امپریالیسم جهانی در زمره دشمنان آشتی ناپذیر خلق های زحمتکش افغانستان من حیث تومور خبیثه تن رنجور خلق افغانستان را زخم آلود ساخت. بعد از مدت ۱۹ سال دوره اشغالگری، امپریالیسم متجاوز و قاتل در برهنه شدن معامله پنهانی اش با ارتجاع وحشی و قرون وسطانی طالبی سر بیرون آورد.

سیاست استعماری لیبرالیسم نو در جهان رسوا و بدنام گردید است. حالا امپریالیسم که از دید نولیبرال ها و مزدوران و فریب خوردگان "مدنی" شان در کشور مستعمره ما به جهانیان مایه خوشبختی و سعادت، انتخابات آزاد، دموکراسی و آزادی بیان جا زده شده بود، به یک بارگی عملاً در زیر پای رجعتگرایان متحجر و ضد ترقی جهادی، طالبی و سلفی های مذهبی تند رو قرار گرفت. امپریالیست های اشغالگر امریکا - ناتو برای تحقق اهداف غارتگرانه استعماری شان کشور ما را برای مدت ۱۹ سال تمام در اشغال خود در آورده، منابع روزمینی و زیرمینی ما را تاراج کردند. دولت مزدور پوشالی و باند های ارتجاع وابسته به امپریالیسم جهانی در طی ۱۹ سال در تلاش برای ادامه جنگ های داخلی بر سر قدرت پوشالی و با دامن زدن اختلافات قومی، مذهبی و سیاسی که باعث سرکوب خلق در بند کشور گردیده و همه ستمکشان اقوام کشور را در خرافات، خون و خشونت فرو برده است.

تاریخ ۵ سنبله ۱۳۹۹ ش ساعت ۲ شب سیلاب های مدهش در ولایت پروان - گلپهار، پنجشیر، کاپیسا، سروبی، ننگرهار و ولایت پکتیکا سرازیر شد که هموطنان پابرهنه و گرسنه ما در هنگام خواب به تعداد ۱۱۰ تن تنها در شهر چاریکار کشته و به تعداد ۱۲۰ تن دیگر زخمی گردیدند. در عرض ۴ کیومتر مناطق مرتفع سلسله کوه بابا همجوار ولایت پروان بوده به تعداد ۴۰۰ باب منزل ضربت پذیر زحمتکشان شهری خراب شده و به تعداد ۴ هزار خانواده دیگر متضرر گردیدند. اجساد کشته شدگان تا کنون زیر گل و لایو آوار های ناشی از جاری شدن سیلاب ها، گیر مانده و پیدا نشده اند و هزاران جریب زمین زراعتی دیگر در ولایت پروان را با حاصلات شان آب با خود برد. همچنان در ولسوالی سروبی ولایت کابل نیز ۸ تن کشته و ۱۰ تن دیگر زخم برداشتند. مردم با امکانات ناچیز خود با هموطنان آسیب دیده خود غم شریکی کردند، عده ای از تجار و مردم دارا نیز در مورد از کمک خویش دریغ نوزیدند و دست مصیبت دیدگان را گرفتند.

دولت غدار ضد ملی و ضد مردمی غرق در فساد کابل تا کنون از هر گونه کمک و همکاری لازم اضطراری به قربانیان سیلاب های اخیر کشور دریغ کرده است. دولت مزدور و دولتیان در مرکز و ولایات فقط و فقط نظاره گر بی تفاوت و بی احساس بودند. تعدادی از اراکین دولت ضد مردمی همراه با رسانه ها یک روز بعد از سیلاب به پروان

آمدند و به مقصد فریبکاری فلم برداری کردند و عکس گرفتند. پس از آن دیگر وظیفه طوطی صفتان سرخاب شده دولت مستعمراتی ختم گردید. در بین سران و جناح های مرتجع و خودفروخته دولت مستعمراتی تبار، سمت و تبعیض فوق العاده چاق گردیده است.

در چنین شرایط و موقعیتی و با وجود دولتی خیانت پیشه و بی وجدان در کشور، مردم نیازمند و آسیب دیده پروان و سائر ولایت های کشور زجر و عذاب، ناداری، بیکاری را خود کشیدند. این در حالیست که چند روز قبل غلامان دولت مستعمراتی روی جرگه های سنتی قومی بی معنی و بی مورد، مبلغ ۳۲۹ میلیون افغانی پول گرسنگان وطن را جهت راضی سازی ارباب امریکائی و آزاد سازی اسیران جنگی گروه طالبی به مصرف رساندند، ولی در برابر مردم مصیبت دیده و درد رسیده پروان و دیگر ولایت ها سران دولت مستعمراتی با طول و عرض آن اداره ستمگر و ذاتاً فاسد مستعمراتی، در اوج بی وجدانی هیچ منبعی را برای کمک به قربانیان سیلاب های مدتش کشور اختصاص ندادند. مصیبت دیدگان و مردم تحت ستم و استثمار کشور ما باید به این حقیقت پی ببرند که حیات و ممت زحمتکشانشان کشور ما نزد امپریالیسم، طبقات حاکم ستمگر و دولت ساخته و پرداخته امپریالیسم و در خدمت استعمار و ارتجاع، اهمیتی ندارد. حیات و ممت مردم زمانی اهمیت عملی پیدا می کند که زحمتکشانشان به سروری رسیده و همه منابع ممکن در حالات عادی یا اضطراری در خدمت بهروزی زحمتکشانشان باشد.

مرگ بر امپریالیسم و نوکران رنگارنگش!